

## تجزیه و تحلیل نتایج

# حذف صفرهای پول ملی در ۷۱ کشور دنیا

"کینز" درباره آبر تورم تعبیر جالبی دارد.



خبرگزاری فارس در یک گزارش اختصاصی اعلام کرده است که یک اقتصاددان امریکایی، طی مقاله‌ای تحلیلی، با اشاره به ۷۱ مورد حذف صفرها از پول ملی در جهان از نیم قرن گذشته تاکنون، نوشت: این طرح اگر به طور صحیح و در چارچوب یک سلسله اصلاحات مهم اقتصادی انجام شود، تورم را مهار می‌کند.

بنا به گزارش مزبور، لاینا موسلی، استاد دانشگاه کارولینای شمالی آمریکا، طی مقاله‌ای به بررسی و تحلیل موضوع حذف صفر از پول ملی پرداخته است. موسلی در این مقاله با اشاره به پیشینه و تاریخچه حذف صفرها در سطح جهان، به ذکر شرایط لازم برای انجام این عمل و نتایج و فواید آن پرداخته است. براساس اعتقاد این استاد، حذف صفرها به خودی خود نمی‌تواند در مهار تورم مفید باشد، بلکه این عمل باید در چارچوب یک سلسله اصلاحات مهم اقتصادی انجام شود، اما در صورت اجرای درست این عمل، تورم مهار می‌شود، اعتبار پول ملی افزایش می‌یابد، روحیه ملی ارتقا پیدا می‌کند و سرمایه‌گذاری‌های خارجی هم افزایش می‌یابد.

### تجربه ۷۱ کشور

به اعتقاد موسلی، از سال ۱۹۶۰ تاکنون، در ۷۱ مورد دولت‌های در حال توسعه مجبور شده‌اند که چندین صفر را از پول ملی خود حذف کنند. آخرین نمونه در این زمینه، به زیمبابوه مربوط می‌شود که طی آن، دولت این کشور ۱۰ صفر از پول ملی این کشور را حذف کرد. در ژانویه ۲۰۰۵ نیز ترکیه لیره جدید را جایگزین لیره قدیم خود کرد. براین اساس، هر یک میلیون لیره قدیم ترکیه به یک لیره جدید تبدیل شد. در ماه جولای همین سال نیز رومانی با حذف چهار صفر، واحد پول جدید خود موسوم به "لیو" را معرفی کرد. در هر دو مورد، دولت‌های ترکیه و رومانی پیام آشکاری را برای مردم و جامعه بین‌الملل فرستادند و آن پیام این بود که سیاست‌های اقتصادی دولت در گذشته اشتباه بوده است.

اگر چه حذف صفر از پول ملی و معرفی پول جدید، بیش از آنکه یک اقدام سیاسی باشد، یک اقدام فنی و کارشناسی است، ولی کنترل دولت بر پول ملی نشانه و شاخصه یک دولت - ملت مدرن است. دولت‌ها از اواسط قرن نوزدهم کنترل سیاست‌های پولی را به دست گرفتند، اما امروزه چالش‌های زیادی برای کنترل سیاست‌های پولی وجود دارد. بنا براین، حذف صفر از پول ملی، بخشی از بسته اصلاحات اقتصادی و سیاسی به شمار می‌رود، همان‌طور که این مساله در افغانستان

طی اکتبر ۲۰۰۲ اتفاق افتاد. در آن ماجرا، دولت افغانستان با حذف سه صفر از پول خود، افغانی جدید را به عنوان پول ملی این کشور معرفی کرد.

### بستن راه نفوذ ارزهای خارجی

براساس این گزارش، حذف صفر از پول ملی، ابزاری برای حمایت دولت از اقتدار سیاست‌های پولی به شمار می‌رود. اگر مردم اعتماد خود را نسبت به پولی ملی از دست بدهند، ارزهای خارجی، به خصوص ارزهایی که پرستیژ بیشتری دارند، رواج خواهند یافت و این مساله فشار روانی و اقتصادی زیادی را بر دولت‌ها وارد خواهد کرد. باید توجه داشت که سیاست‌های اقتصادی، نه تنها تحت تأثیر بازارهای مالی بین‌المللی قرار دارند، بلکه بانک‌های مرکزی خارجی نیز بر سیاست‌های اقتصادی تأثیر خواهند گذاشت، اما حذف صفرها، مانع از نفوذ ارزهای خارجی و بیگانه در اقتصاد خواهد شد. به عنوان مثال، اگر مردم ترکیه نسبت به لیره جدید اعتماد کافی داشته باشند، دیگر از استفاده از یورو و دلار خودداری خواهند کرد.

معمولا حذف صفر از پول ملی، پس از بحران‌های اقتصادی صورت می‌گیرد. در این مواقع، دولت قصد دارد تا با این اقدام، مردم را متقاعد کند که دوران تورم شدید به سر آمده

حذف چند صفر از واحد پول ملی، راهکاری است که معمولا در شرایط تورم شدید اتخاذ می‌شود تا شدت و سرعت تورم کاهش یابد.



عدم تعادل بین عرضه پول و کالا  
مخاطره آمیز است.

است. در برخی موارد، این سیاست جواب می‌دهد و حذف صفر می‌تواند جلوی رشد تورم را بگیرد، ولی در برخی موارد نیز حذف صفر قادر به کاهش سریع تورم نیست. آرژانتین و برزیل نمونه‌های بارزی از این مساله در دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ به شمار می‌روند.

هنوز کشورهای زیادی سیاست حذف صفر از پول ملی خود را انتخاب نکرده‌اند، گرچه این کشورها با نرخ تورم بالا هم روبرو هستند. بی‌ارزش شدن پول ملی در برخی از کشورها، کم‌کم مردم را نسبت به پول آن کشورها بی‌اعتماد می‌کند. در برخی موارد نیز دولت‌ها به تدریج سیاست حذف صفر را اتخاذ کرده‌اند که این مدت زمان ممکن است بیش از ده سال طول بکشد.

به طور کلی، به نظر می‌رسد که حذف صفر از پول ملی، هزینه‌های کمی را بر اقتصاد تحمیل می‌کند، زیرا اجرای این سیاست تنها مستلزم انتشار اسکناس‌های جدید و آگاه کردن مردم و بازارهای مالی نسبت به تغییرات جدید است.

### اصلاحات اقتصادی هم ضروری است

این گزارش سپس با اشاره به تاریخ طولانی حذف صفرها می‌افزاید: در قرن نوزدهم، دولت‌ها وقتی که با کمبود طلا و نقره روبرو می‌شدند، ارزش پول ملی خود را تعدیل می‌کردند. طی سال‌های ۱۹۶۰ تاکنون، بیش از ۷۰ مورد حذف صفر از پول ملی در کشورهای در حال توسعه دیده شده است. حذف صفرها نیز ابعاد مختلفی داشته است. در این مدت، از حذف یک صفر در ۱۴ مورد، تا حذف شش صفر در نه مورد وجود داشته است. میانگین آن‌ها هم حذف سه صفر از پول ملی بوده است. به علاوه، نوزده کشور در این مدت یک بار اقدام به حذف صفر کرده‌اند و ده کشور نیز دوبار این کار را انجام داده‌اند. آرژانتین چهار بار، یوگسلاوی سابق پنج بار و برزیل نیز شش بار صفرهای پول ملی خود را حذف کرده‌اند.

در سال ۱۹۹۲ میلادی، بحران‌های اقتصادی در آرژانتین موجب کاهش چشمگیر ارزش پول ملی این کشور و وقوع بحران دلار در این کشور شد. دولت آرژانتین نیز مجبور شد که برای جلوگیری از افزایش شدید تورم، بسته اصلاحات اقتصادی را با اولویت حذف صفر از پول ملی اجرا کند.

در برخی از کشورها، مثل شیلی و کرآوسی نیز سیاست حذف صفر پس از اجرای سیاست‌های تثبیت اقتصادی انجام شده است. در برخی از کشورها مثل آنگولا، جمهوری کنگو و نیکاراگوا، به رغم حذف صفر از پول ملی، تورم همچنان بالا است.

بنابراین، یکی از مسائلی که حذف صفر از پول ملی را ایجاد می‌کند، افزایش شدید تورم است. در آرژانتین طی سال ۱۹۶۰ میلادی، هر دلار آمریکا در برابر ۱۱۰۰ تا ۳۵۰۰ پیروی آرژانتین مبادله می‌شد. اما آرژانتین با حذف دو صفر از پول خود، ارزش آن در برابر دلار را افزایش داد. در اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی نیز هر دلار آمریکا در برابر ۱۸۰۰۰ تا ۱۸۰۰۰۰ پیرو داد و ستد می‌شد و دولت آرژانتین در سال ۱۹۸۳ چهار صفر از پول

خود را حذف کرد.

بدیهی است که اگر دولت تنها به حذف صفرهای پول ملی اکتفا کند و اصلاحات اقتصادی فراگیر و جامعی را اجرا ننماید، سیاست حذف صفر به تهنایی کارساز نخواهد بود.

### حذف صفرها با نگاهی به تورم یا ارزش برابری دلار

براساس آمارهای موجود، برخی از کشورهایی که با نرخ تورم بالا روبرو هستند، هنوز اقدامی برای حذف صفرهای پول ملی خود نداشته‌اند. کشورهایی مثل کامبوج، اکوادور، اندونزی و پاراگوآ در این مدت هیچ اقدامی برای کاهش تورم و افزایش ارزش پول ملی خود در برابر دلار و سایر ارزهای بین‌المللی نکرده‌اند. البته به کار بردن شاخص برابری پول ملی نسبت به دلار، برای توجیه حذف صفر از پول ملی هر کشور، همیشه شاخص مناسبی نیست و باید آن را با نرخ تورم مقایسه کرد. به عنوان مثال، کره جنوبی از سال ۱۹۸۲ تاکنون، با نرخ تورم یک رقمی روبرو است و ولی نرخ برابری وون در برابر دلار از اواخر سال ۱۹۹۷ تا کنون چهاررقمی بوده است. در نتیجه، سیاستگذاران اقتصادی کره جنوبی در سال ۲۰۰۴ بحث حذف صفر از پول ملی این کشور را مطرح کردند.

البته برای کشورهایی که حذف صفر از پول ملی را به عنوان یک استراتژی و آخرین مرحله اجرای اصلاحات اقتصادی در نظر می‌گیرند، اختلافاتی در زمان بندی اجرای این برنامه وجود دارد. به عنوان مثال، لهستان طی سال‌های ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ با شدیدترین تورم روبرو شد، ولی حذف صفر از پول این کشور تا سال ۱۹۹۵ میلادی انجام نشد. رومانی نیز از اوایل تا اواسط دهه ۱۹۹۰ با فشارهای شدید تورمی روبرو بود، ولی حذف

آرژانتین چهار بار،  
یوگسلاوی سابق  
پنج بار و برزیل نیز  
شش بار، صفرهای  
پول ملی خود را  
حذف کرده‌اند.

صفر از پول این کشور نیز در جولای ۲۰۰۵ اتفاق افتاد.

## حذف صفرها و افزایش سرمایه گذاری خارجی

این گزارش در ادامه به بررسی انگیزه‌های دولت‌ها از حذف صفرهای پول ملی خود پرداخته و پرسیده است: به راستی، چرا دولت‌ها، اقدام به حذف صفرها از پول ملی خود می‌کنند؟ زمانی که ارزش پول به جای طلا و نقره توسط اعتماد عمومی مردم حفظ می‌شود، دولت‌ها مسوولیت سنگینی برای حفظ ارزش و جایگاه پول ملی دارند. یکی از مواردی که موجب حذف صفر پول ملی می‌شود، تورم است. رشد نقدینگی و افزایش عرضه پول، موجب رشد تورم می‌شود و دولت می‌تواند با حذف صفر از پول ملی، جلوی افزایش تورم را بگیرد.

تلاش برای اصلاح واحد پول ملی و معرفی واحد پول جدید نیز زمینه دیگری برای حذف صفرهای پول ملی است. به عبارت دیگر، تعریف واحد پول جدید برای مردم خیلی مشکل است، ولی حذف صفر از پول ملی، مکانیسم مناسبی برای تعریف پول ملی جدید است. به عنوان مثال، وقتی که دولت از مردم می‌خواهد تا پول‌های قدیمی را ظرف مدت کوتاهی با پول جدید معاوضه کنند، این احتمال وجود دارد که همه پول‌های قدیمی با پول‌های جدید معاوضه نشوند.

از سوی دیگر، دیده شده است که هم نظام‌های سیاسی دموکراتیک و هم نظام‌های دیکتاتوری، دلایل سیاسی برای حذف صفرهای پول ملی دارند. نظام‌های دموکراتیک معمولاً برای کاهش نرخ تورم اقدام به حذف صفر می‌کنند. نظام‌های دیکتاتوری نیز معمولاً بدون مواجهه با نرخ تورم بالا و تنها برای جلوگیری از گسترش تنش‌های اجتماعی، اقدام به حذف صفر از پول ملی می‌کنند.

بدون تردید، عمل به تعهدات اقتصادی، به خصوص دستیابی به نرخ تورم پایین، نقش زیادی در افزایش اعتبار دولت‌ها در بین مردم دارد. موفقیت دولت‌ها در کاهش نرخ تورم و افزایش رشد اقتصادی، موجب تقویت جایگاه دولت‌ها، در بازارهای مالی بین‌المللی و تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی خواهد شد. طی سال‌های اخیر، دولت‌ها برای دستیابی به اهداف اقتصادی و عمل به تعهدات خود، بانک‌های مرکزی را مستقل نموده‌اند. برای کشورهایی که قصد پیوستن به اتحادیه‌های پولی منطقه‌ای را دارند، عمل به تعهدات بین‌المللی بسیار مهم است. در کشورهایی که نرخ تورم شدید و بالا وجود دارد، دولت‌ها برای کسب اعتماد مردم و اعتماد بازارهای بین‌المللی، با چالش‌های زیادی روبرو هستند.

اگر چه بهترین راهکار برای مقابله با تورم فزاینده و اجرای برنامه تثبیت اقتصادی، استقلال بانک مرکزی از دولت و حذف سیاست‌های اقتصادی مزاحم و دست و پاگیر است، اما حذف صفر پول هم از دو راه می‌تواند به کاهش تورم و اجرای برنامه‌های تثبیت اقتصادی کمک کند: نخست، حذف صفر



به راحتی می‌توان با حذف چهار صفر از واحد پول ملی، ارزش پول ملی کشور را عددی بین ارزش دلار ایالات متحده آمریکا و یورو اتحادیه اروپا تعریف کرد تا دیگر مردم برای پرداخت مبالغ روزمره، مجبور به پرداخت چند واحد از پول کشور نباشند.

پول ملی می‌تواند در انتهای برنامه تثبیت اقتصادی اجرا شود تا به مردم و بنگاه‌های خصوصی این اطمینان داده شود که دوران نرخ تورم بالا گذشته است. حذف صفر پول در این شرایط، کاملاً سمبلیک و نمادین است، چرا که تورم به علت سایر عوامل افزایش یافته است و حذف صفر به تنهایی موجب کاهش تورم نخواهد شد. حذف صفر از پول ملی می‌تواند مستقیماً در روند برنامه تثبیت اقتصادی نیز مورد استفاده قرار گیرد تا انتظارات تورمی مردم تغییر یابد.

به علاوه، استفاده از سیاست حذف صفر از پول ملی، نقش مهمی در ارتقای جایگاه اعتماد عمومی مردم نسبت به دولت‌ها دارد و کاهش نرخ تورم نیز باعث عملکرد موفق اقتصادی دولت‌ها خواهد شد. علاوه بر این، کاهش تورم موجب جلب اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی و جذب بیشتر سرمایه‌های خارجی خواهد شد. جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی نیز بیشتر موجب تسهیل روند رشد اقتصادی کشورها می‌شود.

### تأثیرات سیاسی حذف صفرها

در نظام‌های سیاسی دموکراتیک، استفاده از حذف صفر پول ملی، می‌تواند تأثیر مهمی در پیروزی مجدد یک حزب داشته باشد، البته حذف صفر از پول ملی می‌تواند تأثیر معکوس هم داشته باشد و موجبات شکست سیاست‌های اقتصادی یک دولت و حزب را فراهم کند.

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، پول، واسطه مبادلات است که امکان مبادلات در اقتصاد را تسهیل می‌کند. برخی دیگر از کارشناسان بر این باورند که پول نه تنها واسطه مبادلات اقتصادی است، بلکه بر هویت ملی شهروندان و اقتدار دولت نیز تأثیر می‌گذارد. بنابراین، پول می‌تواند به عنوان ابزاری برای تحکیم هویت ملی و سیاسی ملت‌ها به شمار رود. بنابراین، حذف صفر از پول ملی می‌تواند بر دیدگاه شهروندان نسبت به وضعیت اقتصادی و هویت ملی کشورشان تأثیر گذار باشد. اگر شهروندان یک کشور، همواره انتظار کاهش ارزش

**پیام آشکاری که در  
ورای حذف صفر از  
پول ملی وجود دارد،  
اعتراف به اشتباه  
بودن سیاست‌های  
اقتصادی قبلی است.**

نظام سیاسی یک کشور دموکراتیک‌تر باشد، نظام سیاسی آن کشور در برابر حذف صفر از پول ملی مقاومت کمتری خواهد داشت.

نکته دیگر اینکه، از فشارهای صندوق بین‌المللی پول برای اجرای برنامه حذف صفر از پول ملی نیز نباید غافل شد. پس عوامل و متغیرهای خارجی نیز بر اتخاذ سیاست حذف صفر از پول ملی موثرند. لازم به توضیح است که صندوق بین‌المللی پول برای اعطای وام و تسهیلات به کشورها، از آنها می‌خواهد تا اصلاحات ساختاری را در اقتصاد خود ظرف مدت معینی انجام دهند که بخشی از این اصلاحات، مربوط به حذف صفر از پول ملی آنها است. بنابراین، فشار صندوق بین‌المللی پول هم عامل تاثیرگذاری در اتخاذ این سیاست است. نکته آخر اینکه، اگر کشوری در گذشته از سیاست حذف صفر از پول ملی استفاده کرده باشد احتمال استفاده مجدد از این سیاست افزایش خواهد یافت و دولت‌های بعدی مقاومت کمتری در برابر اجرای این سیاست خواهند داشت.

برای کشورهایی که قصد پیوستن به اتحادیه‌های پولی منطقه‌ای را دارند، عمل به تعهدات بین‌المللی بسیار مهم است.

پول ملی را داشته باشند، این مساله موجب نگرانی مقام‌های دولتی خواهد شد. در نتیجه، دولت باید باحفظ ارزش پول ملی، اعتماد شهروندان خود را نسبت به پول ملی کشور افزایش دهد و مانع از این شود که شهروندان به ارزهای خارجی روی آورند. اگر شهروندان یک کشور به سمت استفاده بیشتر از ارزهای خارجی برای مبادلات روزانه خود حرکت کنند و اعتماد عمومی نسبت به پول ملی در حال کاهش باشد، دولت باید بلافاصله حذف صفر از پول ملی را در دستور کار خود قرار دهد.

بر اساس مدل‌های آماری، تورم و نرخ ارز، شاخص‌های تاثیرگذاری در حذف صفرهای پول ملی به شمار می‌روند. در واقع، ارتباط معنی‌داری بین نرخ تورم، نرخ ارز و حذف صفر از پول ملی وجود دارد و این مساله به خوبی در مدل‌های اقتصادسنجی و مدل‌های آماری به چشم می‌خورد. دموکراسی و نظام دموکراتیک سیاسی کشورها نیز تاثیر زیادی در اتخاذ سیاست حذف صفر از پول ملی دارد. نتیجه اینکه، هر چقدر

